سیرهٔ قضایی حضرت مهدی (عج)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حبیب الله طاهری

با بررسی و دقت در روایات حکومت جهانی امام مهدی(ع) در زمینه پیش‌رفت مسایل اقتصادی، فرهنگی و... در می‌یابیم که با کاسته شدن از جرم و جنایت و با پیش‌رفت علوم و فنون دستگاه قضایی آخرین معصوم الهی از توانایی و قدرت فراوانی برخوردار است.

این نوشتار جلوه‌ای از سیره قضایی آخرین حجت الهی را بیان می‌کند. و تلاش شده است، ترسیم چشم‌انداز آن حکومت، چراغی فرا روی امروز افروخته گردد.

مقدمه

۱ـ برای مبارزه با فساد و تجاوز و ستم از یک سو، لازم است پایه‌های ایمان و اخلاق تقویت شود و از سوی دیگر، یک سیستم صحیح و نیرومند قضایی با هشیاری کامل و احاطهٔ وسیع به وجود آید.

مسلّماً پیشرفت کامل صنایع، وسایلی را در اختیار بشر می‌گذارد که با آن به خوبی می‌توان در مورد لزوم، حرکات همهٔ مردم را تحت کنترل قرار داد و هر حرکت ناموزون و نابجایی را که به فساد و تجاوز منتهی می‌شود، زیر نظر گرفت. علائم و آثاری را که مجرمان در محلّ جرم باقی می‌گذارند می‌توان شناسایی و از آن‌ها عکسبرداری کرد، صدای آن‌ها را ضبط نمود و آن‌ها را به خوبی تجزیه و تحلیل کرد. قرار گرفتن چنین ابزار پیشرفته‌ای در اختیار یک حکومت صالح، عامل مؤثرتری برای پیش‌گیری از فساد و ستم است؛ به گونه‌ای که می‌توان در صورت وقوع جرم یا تضییع حقی، حق را به صاحب آن رساند.

شکّی نیست که در عصر آن مصلح بزرگ جهان، آموزش‌های اخلاقی با وسایل ارتباط جمعی بسیار پیشرفته، آن چنان گسترش می‌یابد که اکثریت مردم جهان را برای یک زندگی صحیح انسانی و آمیخته با پاکی و عدالت اجتماعی آماده می‌سازد.

ولی از آن جا که انسان آزاد آفریده شده و در تصمیم‌ها و اعمال خویش از اصل جبر پیروی نمی‌کند، خواه ناخواه افرادی ـ هر چند انگشت شمار ـ در هر اجتماع صالحی ممکن است پیدا شوند که از آزادی خود سوء استفاده کنند و از آن برای وصول به مقاصد شوم خود بهره گیرند. به همین دلیل جامعه باید به یک دستگاه قضایی سالم و کاملاً آگاه و مسلّط مجهّز باشد تا حقوق مردم به آن‌ها برگردانده شود و ستمگر به جزای خود برسد.

۲ـ با دقت در جرائم و جنایات و مفاسد اجتماعی راه‌های پیش‌گیری از آن‌ها، روشن می‌شود که:

اولاً، با اجرای عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانهٔ ثروت، ریشهٔ بسیاری از مفاسد اجتماعی که از کشمکش بر سراندوختن ثروت و استثمار طبقات ضعیف، حیله و تزویر و انواع تقلّب‌ها، دروغ، خیانت و جنایت برای در آمد بیشتر سرچشمه می‌گیرد، برچیده می‌شود. مفاسدی که شاید رقم بیشتری از فساد و ظلم در هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد. این مفاسد به عنوان سرچشمه و ریشهٔ بسیاری از جرایم و جنایات مطرحند که با از میان رفتن ریشهٔ اصلی، شاخ و برگ‌ها خود به خود می‌خشکند.

ثانیاً: آموزش و تربیت صحیح اثر عمیقی در بهبود مبارزه با فساد و تجاوز و انحرافات اجتماعی و اخلاقی دارد؛ یکی از علل مهمّ توسعه فساد در جوامع کنونی این است که نه تنها از وسایل ارتباط جمعی برای آموزش صحیح استفاده نمی‌شود، بلکه بیش‌تر آن‌ها در خدمت کثیف‌ترین و زشت‌ترین برنامه‌های استعماری فاسد قرار دارد. برنامه‌هایی که شب و روز از طریق ارایهٔ فیلم‌های بدآموز و داستان‌ها و برنامه‌های گمراه کننده و حتّی اخبار دروغ و نادرستی که در خدمت مصالح استعمار جهانی است، به ظلم، تبعیض و فساد خدمت می‌کنند.

البته این موارد نیز از جهتی ریشهٔ اقتصادی دارد و برای تحذیر مغزها و به ابتذال کشاندن مفاهیم سازنده و نابود کردن نیروهای فعّال و بیدار هر جامعه، برای بهره‌گیری بیشتر غول‌های استعمار اقتصادی حرکت می‌کند، بدون آن که با مانع مهمّی روبرو شوند. هرگاه این وضع دگرگون شود، به طور قطع در مدت کوتاهی قسمت مهمّی از مفاسد اجتماعی از بین خواهد رفت. این کار تنها از یک حکومت صالح و سالم جهانی بر می‌آید. حکومتی که در مسیر منافع توده‌های جهان ـ و نه استثمارگران ـ برای ساختن جهانی آباد و آزاد و مملوّ از صلح و عدالت و ایمان حرکت می‌کند.

ثالثاً: وجود یک دستگاه قضایی بیدار و آگاه با ابراز مراقبت دقیق که نه مجرمان بتوانند از چنگ آن فرار کنند و نه ستمگران از عدالت سر باز زنند، نیز عامل مؤثری در کاهش میزان فساد، گناه و سرپیچی از قانون است.

اگر این سه جنبه دست به دست هم دهند، تأثیر آن فوق‌العاده زیاد خواهد بود.

از مجموع احادیث مربوط به دوران حکومت مهدی(عج) استفاده می‌شود که او از تمام این سه عامل باز دارنده، در عصر انقلابش بهره می‌گیرد؛ به گونه‌ای که ضرب‌المثل معروفی که می‌گوید: «زمانی فرا می‌رسد که گرگ و میش در کنار هم آب می‌خورند» تحقق می‌یابد.

مسلّماً گرگ‌های بیابان تغییر ماهیت نمی‌دهند و لزومی هم ندارد که چنین شود، میش‌ها

هم از حالت کنونی در نمی‌آیند، بلکه این جمله اشاره دارد به برقراری عدالت در جهان و تغییر روش گرگ صفتان خونخوار. که در سازش با حکومت‌های جبّار، قرن‌ها به خوردن خون قشرهای مستضعف جامعهٔ انسانی مشغول بودند.[1]

۳ـ آگاهی به روش داوری و سیرهٔ قضایی امام مهدی(عج) تنها با بررسی روایات وارده در این باب میسر است؛ چرا که عقل را در این نوع مسایل راهی نیست تا با بررسی عقلانی به حقیقت آن آگاه شویم. بنابراین، در این مقاله نخست روایات مربوطه را (تا جایی که به آن‌ها دست یافته‌ایم) ذکر نموده و سپس با دقت و کاوش در آن‌ها به شیوهٔ قضایی امام(ع) آگاهی پیدا می‌کنیم:

روایات

روایات وارده در رابطه با روش داوری آن حضرت و امور مربوطه به داوری بسیار است که ما به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ـ قالَ الصّادِق(ع):

«اذا قامَ القائمُ حَکَمَ بِالعَدلِ وَارتَفَعَ فی اَیّامِه الجَورُ وَاَمِنَت بِه السُّبُلُ وَاَخرَجَتِ الأَرضُ بَرَکاتِها وَرَدَّ کُلَّ حَقٍ اِلی اَهلِه... وَحَکَمَ بَینَ النّاسِ بِحُکمِ داوُدَ وَحُکمِ مُحَمَدٍ...

وقتی که قائم قیام کند، داوری را بر اساس عدالت قرار می دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می شود و جاده‌ها در پرتو وجودش امن و امان می گردد و زمین برکاتش را خارج می سازد و حق هر کس را به او بر می گرداند، و در بین مردم همانند داود و محمد(ص) داوری می کند...».[2]

۲ـ جابر از امام باقر(ع) نقل می‌کند که فرمود:

«انما سُمّیَ المَهدیُّ لانهُ یُهدی اِلی اَمرٍ خَفی حَتّی اَنهُ یَبعَثُ اِلی رَجُلٍ لایَعلَمُ النّاسُ لَهُ ذَنبٌ فَیَقتُلُهُ حَتّی اَنَّ اَحَدَکُم یَتَکَلَمَ فی بَیتِه فَیَخافُ اَن یَشهَدَ عَلَیه الجدارُ»

حضرت امامِ عصر، به این جهت مهدی نامیده شده است که به امور مخفی و پنهان هدایت می شود، تا جایی که گاه به سراغ مردی می فرستد (و او را) به قتل می رساند که مردم او را بی گناه می دانند، (زیرا از گناه پنهانی او همانند قتل نفس که موجب قصاص است، آگاه می باشد تا آن جا که بعضی ها هنگامی که در خانهٔ خود سخن می گویند، می ترسند دیوار بر ضد آن ها شهادت دهد (و از کارهای خلاف و توطئه آنان امام را باخبر سازد)».[3]

۳ـ قالَ ابوعَبدِاللّه(ع):

«اِنهُ اِذا تَناهَتِ الأُمورُ اِلی صاحِبِ هَذَا الامر رَفَعَ

● آگاهی به روش داوری و سیرهٔ قضایی امام مهدی(عج) تنها با بررسی روایات وارده در این باب میسر است؛ چرا که عقل را در این نوع مسایل راهی نیست

اللّه تَبارَکَ و تَعالی لَهُ کُل مُنْخَفَضٍ مِنَ الأَرضِ وَخَفَضَ لَهُ کُل مُرتَفَعٍ حَتّی تَکُونَ الدُّنیا عِندَهُ بِمَنزِلَةِ راحَتِهِ فَاَیُّکُمْ لَو کانَتْ فی راحَتِهِ شَعرَةٌ لَمْ یُبصِرها

وقتی کارها به صاحب اصلی ولایت رسید خداوند بزرگ هر نقطهٔ فرورفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطهٔ مرتفعی را پایین می آورد؛ آن چنان که تمام دنیا نزد او همانند کف دستش خواهد بود. کدام یک از شما اگر در کف دستش مویی باشد آن را نمی بیند؟»[۴]

۴ـ امام صادق و امام کاظم(ع) فرمودند:

«لَوْقَد قامَ القائمُ لَحَکَمَ بِثَلاثٍ لَم یَحکُمْ بِها اَحَدٌ قَبلَهُ: یَقتُلُ الشیخَ الزّانی وَیَقتُلُ مانِعَ الزکاتِ وَیُورِّثُ الأَخُ اَخاهُ فِی الأَظِلَةِ

هرگاه قائم قیام کند، سه حکم خواهد کرد که احدی پیش از او نکرده است (و آن‌ها عبارتند از): پیر زناکار و مانع الزکات را می کشد و به برادرانی که در عالم اشباه و ارواح (عالم ذر) برادر بودند (نه برادر صلبی) ارث می دهد.»[۵]

۵ـ در روایات بسیاری وارد شده است که امام مهدی ذریّه‌ها و نواده‌های قاتلان سیدالشهداء را به خاطر رضایت به کار پدران می‌کشد. امام صادق(ع) می‌فرماید:

«اِذا خَرَجَ القائِمُ قَتَلَ ذراری قَتَلَةِ الحُسین(ع) بِفِعالِ آبائِها...»[۶]

۶ـ یکی از کارهای آن حضرت اجرای حدود بر مردگان است؛ یعنی حکم حضرت این است که اگر کسی حدی بر عهده داشت و حد اجرا نشده بود، در هنگام ظهور و رجعت آنان، حد را جاری می‌کند، چنان که درباره حُمیراء چنین می‌کند به خاطر افترایی که به امّ ابراهیم زوجهٔ صالحهٔ رسول خدا(ص) زده بود. امام باقر فرمود:

«اَما لَو قامَ قائِمُنا لَقَدْ رُدت الیه الحُمیراء حَتّی یُجَلِّد الحَدّ وَحَتّی یَنتَقِمَ لابنته مُحَمد فاطِمَه(س)، مِنها، قُلتُ: جُعِلتُ فَداک وَلِمَ یُجَلِّدُها الحَد؟ قالَ: لِفریتِها عَلی اُمِّ ابراهیم، قُلتُ: فکیفَ اَخرَهُ اللّه لِلقائِمِ(ع)؟ فقالَ لَهُ اِن اللّه تبارک و تعالی بَعَثَ مُحَمّداً(ص) رَحمَةً وَبَعَثَ القائِمَ نِقمَةً.

آگاه باشید اگر قائم ما قیام کند، حمیراء برای او برگردانده خواهد شد تا اینکه او را تازیانه حد زند و برای فاطمه دختر پیامبر از او انتقام بگیرد. راوی می گوید عرض کردم فدای تو شوم، تازیانه حد برای چه؟ فرمود: برای افترایی که بر مادر ابراهیم فرزند پیامبر زد. گفتم: پس چرا حد او تا قیام قائم به تأخیر افتاده است؟ فرمود: برای این که خداوند محمّد را رحمت فرستاده و قائم را نقمت.»[۷]

۷ـ عَن اَبان قالَ: سَمِعتُ اَبا عَبدِاللّه(ع) یَقُولُ:

«لایَذهَبُ الدُّنیا حَتّی یَخرُجَ رَجُلٌ مِنّی یَحکُمُ بِحُکومَةِ آلِ داوُد لایَسالُ عَن بَیِّنَةٍ، یُعطی کُل نَفسٍ حُکمَها.

ابان می گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: دنیا به پایان نمی رسد تا این که مردی از تبار من قیام

کند و در حکومت خود به حکم آل داوود حکم نماید. از کسی مطالبهٔ بیّنه و شاهد نکند و هر کسی را به حکم واقعی او محکوم نماید.»[8]

۸ـ امام صادق(ع) فرمود:

«اِذا قامَ قائمُ آلِ محمّدٍ حَکَمَ بِحکمِ داوُد وَسُلَیمان لایَسئَلُ النّاسَ بَیّنةً.

وقتی قائم آل محمد قیام کند به حکم داوود و سلیمان حکم می کند و از مردم گواه نمی خواهد».[9]

۹ـ قالَ اَبوعَبدِاللّه(ع):

«اذا قامَ القائمُ(ع) لم یَقُم بینَ یَدیهِ اَحَدٌ مِن خَلْقِ الرحمنِ الاّ عَرَفَهُ صالِحُ هُوَ اَمْ طالِحُ؟ اَلا وَفیه آیَةٌ لِلمُتوَسّمینَ وَهِیَ السبیلُ المُقیمُ.

هر گاه قائم قیام کند احدی از خلق خدا در پیش او نایستد مگر این که آن حضرت، او را بشناسد که صالح است یا طالح، آگاه باشید که در شأن او است آیهٔ «اِن فی ذلک لآیاتٍ للمتوسّمین»[10].[10]

و در حدیث دیگر فرمود:

«لَو قامَ قائمُنا اَعطاهُ اللّهُ السّیماءَ فَیَأمَرَ بِالکافِرِ فَیُؤخَذُ بِنواصیهِمْ وَاَقدامِهِم ثُم یُخبِطُ بِالسیفِ خبطاً.

چون قائم ما قیام کند، خداوند علم سیما به او عطا کند، پس امر می کند بر کافر، پس موهای پیشانیشان را می گیرند و به پاهای ایشان می چسبند و می کشانند به سوی شمشیر و شمشیر را در میان ایشان می نهد».[11]

۱۰ـ در حدیثی امام صادق(ع) فرمود:

«اِن قائمَنا اذا قامَ مَداللّهُ لشیعَتِنا فی اَسماعِهِم وَاَبصارِهِم حَتّی لایَکُونَ بَینَهُم وَبینَ القائمِ بَریدٌ یُکَلِّمُهُم فَیسمَعُونَ وَیَنظُرونَ اِلَیهِ وَهُوَ فی مکانِه.

هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آن‌ها و قائم (رهبر و پیشوایشان) نامه‌رسان نخواهد بود. با آن‌ها سخن می گوید سخنش را می شنوند و او را می بینند؛ در حالی که او در مکان خویش است (و آن‌ها در نقاط دیگر دنیا).»[12]

یعنی وسایل انتقال صدا و تصویر، به طور همگانی و آسان در اختیار همهٔ پیروان او قرار دارد؛ آن چنان که در عصر حکومت او ادارهٔ پست

● هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آن‌ها و قائم (رهبر و پیشوایشان) نامه‌رسان نخواهد بود. با آن‌ها سخن می گوید سخنش را می شنوند و او را می بینند؛ در حالی که او در مکان خویش است (و آن‌ها در نقاط دیگر دنیا).

چیز زایدی محسوب می‌گردد. بنابراین، همه برنامه‌ها با سیستم «شهود و حضور» اجراء می‌شود؛ در چنین حالتی هیچ امری از حاکم آن زمان مخفی نخواهد بود هر چند برای دیگران مخفی باشد. امام به طور طبیعی (با قطع نظر از علم غیب) بر همه چیز آگاه است و همانند داوود و سلیمان، بر اساس علمش داوری می‌نماید.

۱۱ـ عَن اَبی عبدِاللّه(ع) قالَ:

«اذا قامَ قائمُ آلِ مُحَمد حَکَمَ بینَ النّاسِ بحُکمِ داوُد لایَحتاجُ الی بَیّنَة، یُلهِمُهُ اللّهُ تعالی فَیَحکُمُ بعلمه وَیُخبرُ کُل قَومٍ بما استَبطَنوهُ، وَیَعرِفَ وَلیهُ مِنْ عَدُوّه بالتّوَسّمِ، قالَ اللّهُ سُبحانَه اِنّ فی ذالکَ لاَ یاتٍ للمُتَوَسّمینَ واَنها لسَبیلٍ مُقیمٍ.

امام صادق(ع) فرمود:

هر گاه قائم آل محمد قیام کند، میان مردم به حکم داوود حکم می کند و در حکمش نیاز به بینه و گواه ندارد. خداوند بزرگ به او الهام می کند، پس به علم خود حکم می کند.»[۱۳]

و هر قومی را به آن چه پنهان کرده‌اند آگاه می‌کند. دوست خود را از دشمن با توسّم می‌شناسد (یعنی بافر است و نگاه از سیما تشخیص می‌دهد). این است که خدای سبحان فرمود ﴿اِنّ فی ذلِکَ لاَ یاتٍ للمُتَوَسّمین﴾.

۱۲ـ عَن اِبنِ تَغلِب قالَ: قالَ لی اَبوعَبدِاللّه(ع):

«دَمانِ فِی الأسلامِ حَلالٌ منَ اللّه لایَقضی فیهما اَحَدٌ حَتّی یَبعَثَ اللّهُ قائمنا اهلَ البیت، فَاذا بَعَثَ اللّهُ عَزوَجَل قائمنا اَهلَ البیتِ حَکَمَ فیهما بِحُکمِ اللّهِ لایُریدُ عَلَیهِما بَیّنَةً: الزّانِی المُحصن یَرجُمُهُ وَمانِعُ الزّکاتِ یَضرِبُ عُنُقَه

ابان بن تغلب گفت: امام صادق(ع) برای من چنین فرمود: دو خون است که در اسلام از خداوند حلال شناخته شده است، ولکن هیچ کس در آن دو خون حکم نکند، تا این که خدای عزیز و بزرگ قائم اهلبیت را بر انگیزاند، پس او به دستور خدا در [بارهٔ] آن دو، حکم کند و در این رابطه از کسی بینّه و گواه نطلبد (یعنی به علم خود عمل کند) زناکنندهٔ محض را سنگسار کند و مانع زکات را گردن زند.»[۱۴]

۱۳ـ قالَ اَبُوجَعفَر(ع):

«یَقُومُ القائِمُ بِاَمرٍ جَدید، وَکِتابٍ جَدید، وَقَضاءٍ جَدید.

امام باقر(ع) فرمود: قائم امام مهدی قیام می کند به امر جدید و کتاب جدید و داوری جدید که بر عرب بسیار سختگیر است.»[۱۵]

۱۴ـ عَنْ اَبی جعفَر(ع) قالَ:

«یَقضِی القائِمُ بِقَضایا یُنکِرُها بَعَضُ اَصحابِهِ مِمن قَدْ ضَرَبَ قُدّامَهُ بِالسیفِ وَهُوَ قَضاءُ آدَمَ(ع)

● هرگاه قائم قیام کند، در هر اقلیمی از اقالیم زمین مردی را بفرستد و بگوید عهد تو در کف دست تو است، هرگاه بر تو وارد شود [کسی و تو] چیزی را نفهمی و قضاوت آن را ندانی، به کف [دست] خود نظر کن و به آن چه در وی است عمل نما.

فَیُقَدِّمُهُمْ فَیَضرِبُ اَعناقَهُمْ، ثُم یَقضِی الثّانِیَةَ فَیُنکِرُها قَوْمٌ آخَرُونَ ممن قَدْ ضَرَبَ قُدامَهُ بالسیف وَهُوَ قَضاءُ داوُد(ع) فَیُقَدِّمُهُمْ فیضربُ اَعناقَهُمْ ثُم یَقضِی الثّالِثَةَ فَیُنکِرُها قَومٌ آخَرُونَ ممن قَدْ ضَرَبَ قُدّامَهُ بالسیف وَهُوَ قَضاءُ ابراهیم فَیُقَدِّمُهُمْ فَیَضرِبُ اَعناقَهُم، ثُم یَقضی الرّابِعَةَ وَهُوَ قَضاءُ مُحمدٍ(ص) فَلا یَنکِرُها اَحَدٌ عَلَیه.

امام باقر(ع) فرمود: قائم به گونه‌ای قضاوت می کند که بعضی از اصحاب او همان‌هایی که در جلو او شمشیر زده‌اند، آن قضاوت‌ها را نادرست می شمارند و مورد انکار قرار می دهند. و آن قضاوت آدم(ع) است؛ پس گردن آنان را می زند. باز در مرتبه دیگر قضاوت می کند به قضاوت هایی که آن را جمع دیگر از کسانی که در جلو حضرت شمشیر زده‌اند انکار می کنند و آن را منکر می شمارند، و آن قضاوت داوود(ع) است؛ پس گردن ایشان را هم می زند.»[۱۶]

بار سوم به قضایای دیگری به سبک و روش ابراهیم(ع) قضاوت می‌کند؛ این بار نیز جمعی دیگر از کسانی که در جلو او شمشیر زده‌اند (آن را) نادرست (و خلاف شرع) می‌شمارند و بر وی انکار می‌کنند، پس گردن ایشان را نیز می‌زند.

بار چهارم به قضاوت‌های محمد(ص) قضاوت می‌کند، هیچ کس بر وی انکار نمی‌کند.

۱۵ـ در حدیثی از امام صادق(ع) می‌خوانیم:

«اذا قامَ القائمُ بَعَثَ فی اَقالیمِ الأَرضِ فی کُلِّ اقلیمٍ رَجُلاً یَقُولُ عَهدَکَ فی کَفِّکَ فَاذا وَرَدَ عَلَیکَ مالا تَفهَمُهُ وَلا تَعرِفُ القَضاءَ فیهِ، فَانظُر اِلی کَفِّکَ وَاعمَل بِما فیها.

هر گاه قائم قیام کند، در هر اقلیمی از اقالیم زمین مردی را بفرستد و بگوید عهد تو در کف دست تو است، هر گاه بر تو وارد شود [کسی و تو] چیزی را نفهمی و قضاوت آن را ندانی، به کف [دست] خود نظر کن و به آن چه در وی است عمل نما.»[۱۷]

۱۶ـ قالَ الباقِرُ(ع):

«...ثُم یَرجِعُ اِلَی الکُوفَة فَیَبعَثُ الثَلاث مِأَةَ وَالبَضعَةَ عَشَرَ رَجُلاً اِلَی الأفاقِ کُلِّها فَیَمسَحُ بَینَ اَکتافِهِم وَعَلی صُدُورِهِم فَلا یَتَعایُونَ فی قَضاءٍ...

امام باقر(ع) فرمود: پس از آن که امام(ع) به کوفه بازگشت و در آن جا مستقر شد، بیش از سیصد و ده نفر را به اطراف عالم (برای حکمروانی و اجرای احکام الهی) می فرستد و در هنگام فرستادنِ آن‌ها، شانه‌ها و سینه‌های آن‌ها را با دست مبارک مسح می کند.»[۱۸]

پس آنان در هیچ حکمی و قضایی عاجز نمی‌مانند (قضا و داوری در هر امر مشکلی برای

آنان آسان خواهد بود).

۱۷ـ عَن اَبی جَعفَر(ع) قالَ فی حَدیثٍ:

«... فَانما سُمّیَ المَهدیُّ لاَنَهُ یُهدی بِاَمرٍ خَفی یَستَخرِجُ التوراةَ وَسایرَ کُتُب اللّه منْ غارٍ بِأنطاکیَه فَیَحکُمُ بینَ اَهلِ التوراتِ بِالتوراتِ، وَبینَ اَهلُ الأنجیلِ بِالأنجیلِ، وَبَینَ اَهلِ الزبُورِ بِالزبُورِ، وَبَینَ اَهلِ الفُرقانِ بِالفُرقانِ...

در حدیثی از امام باقر(ع) می خوانیم که فرمود: علت نام گذاری او (امام دوازدهم) به مهدی، این است که خدااو را به امور مخفی هدایت کرده است. از جمله این که تورات و دیگر کتاب‌های آسمانی را از غاری در انطاکیه خارج می سازد و میان پیروان تورات به تورات و پیروان انجیل به انجیل و پیروان زبور به زبور و پیروان قرآن به قرآن، قضاوت و داوری می کند.» [۱۹]

۱۸ـ عَنِ الصّادِقِ(ع) قالَ:

«... اَما وَاللّهِ لَیُدخِلَن عَلَیهِمْ عَدْلَهُ جَوفَ بُیُوتِهِم کَما یَدخُلُ الحَرُّ وَالقَرُّ.

آگاه باشید، قسم به خدا مهدی عدالت را وارد خانه‌ها می کند؛ هم چنان که سرما و گرما وارد خانه‌ها می شود (یعنی دادگری او همه جا را فرا می گیرد)» [۲۰]

بررسی:

از کنکاش در روایات بالا مطالب ذیل به دست می آید

۱ـ عدالت از اصول مهم و از تعالیم اساسی و اهداف بزرگ اسلام است. تعالیمی که قرآن مجید و احادیث معتبر، با تأکید و صراحت همکاران به اجرای آن در تمام زمینه‌های زندگی به آن مأمور متعهد ساخته است. پیامبران الهی همگان در مأموریت آسمانی خود، خواهان برپا داشتن عدل در بین تمام انسان‌های جهان بوده‌اند و می‌خواستند مردم را به گونه‌ای تربیت کنند که آنان خود قسط و عدل را بپا دارند، ولی هیچ یک از انبیا و اولیای الهی در این مأموریت خطیر، به طور کامل موفق نبودند.

تنها کسی که می‌تواند با موفقیت تمام عدالت را برقرار کند، امام مهدی(ع) است؛ تا جایی که جملهٔ «یَملأُ اللّهُ الأَرضَ قِسطاً وَعَدلاً» برای تأکید این حقیقت در بسیاری از روایات آمده

● امام باقر(ع) فرمود: پس از آن که امام(ع) به کوفه بازگشت و در آن جا مستقر شد، بیش از سیصد و ده نفر را به اطراف عالم (برای حکمروانی و اجرای احکام الهی) می فرستد و در هنگام فرستادنِ آن‌ها، شانه‌ها و سینه‌های آن‌ها را با دست مبارک مسح می کند.

است. در احادیث فوق نیز، با صراحت به فراگیر شدن عدل در عصر ظهور اشاره شده است.

اجرای عدالت در زمان آن حضرت منحصر به روابط اجتماعی منحصر نیست؛ بلکه اصول عدالت در تمام زمینه‌های کلی و جزیی به طور شگفت آوری اجرا می‌شود. در حدیث آمده است که وقتی حضرت مهدی(عج) بیاید نه تنها جوامع بشری و آبادی‌ها، بلکه همهٔ زمین را پر از عدل و داد نماید؛ تا جایی که قطره‌ای آب، از چشمه‌ساری به هدر نرود و میوه‌ای از درختی به ستم یا اسراف چیده نشود. او همه مکان‌ها و همه زمان‌ها را پر از عدالت کند؛ آبادی‌ها، هامون‌ها، دشت‌ها، درّه‌ها، جنگل‌ها، کوهساران، بامدادان و غروب‌ها و... را.[۲۱] و چنان که در حدیث ۱۸ اشاره شد، عدل و داد همانند سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود؛ یعنی همان‌گونه که گرما و سرما خود به خود، وارد خانه‌ها می‌شود و همه جای آن را پر می‌کند و روی همه چیز اثر می‌گذارد، امام مهدی(عج) نیز دادگری و عدل خویش را، این چنین به درون زندگی‌ها می‌برد و نفوذ می‌دهد و می‌گستراند. همه چیز در عدل و داد فرو می‌رود و جوهر عدل و داد می‌پذیرد.

● آگاه باشید، قسم به خدا حضرت مهدی(عج) عدالت را وارد خانه‌ها می‌کند؛ هم‌چنان‌که سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود (یعنی دادگری او همه جا را فرا می‌گیرد)

می‌گویند در حکومت حضرت مهدی(عج) سخن‌گویان نخستین مرحلهٔ دولت او در مکه فریاد می‌زنند:

«هر کس نماز فریضه خود را در کنار حجرالأسود و محل طواف خوانده است و می خواهد نافله بخواند، به کناری رود و آن کس که می خواهد نماز واجب خود را بخواند، بیاید و بخواند تا حق کسی ضایع نشود.[۲۲]

یعنی تا این حد حقوق مردم مراعات می‌شود. بنابراین، در داوری و حکومت او به اندازهٔ سوزنی به کسی ستم نمی‌شود و هر کس به حق خود می‌رسد.

۲ـ طبق حدیث شمارهٔ ۱، ۷، ۸، ۱۱ و ۱۴ امام مهدی(عج) هم بر اساس حکم داوود و سلیمان حکم می‌کند (یعنی بر اساس علم خود قضاوت می‌کند و از مدّعی بنیّه و از منکر سوگند مطالبه نمی‌کند) و هم بر اساس حکم محمد(ص) که بر اساس بنیّه و قسم است، داوری می‌کند؛ یعنی او هم به قواعد دادرسی اسلامی هم‌چون اقرار، گواهی گواهان و سوگند منکر و هم از روش‌های

روانی و علمی برای کشف مجرمان اصلی بهره می‌برد.

۳ـ بر اساس حدیث شمارهٔ ۲ و ۳، در عصر ظهور، با پیشرفت علوم، فناوری و تکنیک و صنعت، وسایل کشف جرم آن قدر کامل می‌شود که کمتر مجرمی می‌تواند ردپایی که با آن شناخته شود از خود به جا نگذارد. به دلیل مراقبت شدیدی که در عصر حکومت او اعمال می‌شود، مجرمان در خانه خود نیز در امان نیستند؛ چرا که ممکن است با وسایل پیشرفته تحت کنترل باشند. حتی ممکن است امواج صوتی آن‌ها از پشت دیوار قابل کنترل باشند.

این خود اشاره دیگری به گستردگی ابعاد مبارزه با فساد در عصر حکومت او است و نیز معلوم می‌شود که لازم نیست امام در تمام موارد قضا، نه علم غیب خود استفاده کند، بلکه در بسیاری از موارد داوری حضرت بر اساس علمی است که از راه‌های عادی آن عصر به دست آمده است.

بدیهی است بدون چنین سلطهٔ اطلاعاتی بر تمام جهان، تشکیل حکومت واحد جهانی و برقراری صلح و امنیّت و عدالت، به طور همه جانبه دور از دست‌رس نخواهد بود. چنان‌که از حدیث شماره ۳ استفاده می‌شود؛ در عصر حکومت امام مهدی(عج) یک سیستم نیرومند و مجهز برای انتقال تصویرها به وجود می‌آید که شاید تصور آن هم برای ما مشکل باشد.

با کمک این فناوری جهان برای او مثل کف دست خواهد بود؛ نه موانع مرتفع و نه گودی زمین‌ها، هیچ کدام مانع از دیدن موجودات روی زمین نخواهد شد. معلوم است کسی که چنین امکاناتی در اختیار دارد، برای داوری خود به اقرار یا گواهی گواهان یا سوگند منکر نیاز نخواهد داشت.

۴ـ امام صرفاً با نگاه به چهره افراد، مجرم را از غیر مجرم و صالح را از طالح و دوست را از دشمن می‌شناسد؛ زیرا خداوند علم سیما به او عطا فرمود، حدیث شمارهٔ۹ و حدیث ذیل آن و حدیث شمارهٔ ۱۱، گواه درستی این مطلب است. روشن است کسی که با نگاه، شخص را می‌شناسد، قطعاً در داوری خود به بینه و سوگند نیاز نخواهد داشت.

۵ـ طبق حدیث‌های شمارهٔ ۳ و ۱۰، در عصر حکومت او همه چیز برای شیعیان روشن است، چه رسد برای خود آن حضرت؛ به همین دلیل قُضات منصوب آن حضرت هم، بیشتر به علم خود عمل می‌کنند.

۶ـ طبق حدیث‌های شمارهٔ ۴ و ۵، حضرت حکم قتل کسانی را صادر می‌کند که پیش از او هیچ قاضی نتوانست چنین حکمی بدهد؛ یعنی

● پیروان تورات به تورات و پیروان انجیل به انجیل و پیروان زبور به زبور و پیروان قرآن به قرآن، قضاوت و داوری می‌کند.

داوری ویژه‌ای است که تنها آن حضرت انجام می‌دهد و طبق حدیث شماره ۱۱ حکم حضرت بر اساس الهام و وحی الهی است.[۲۳]

● نخستین مرحلهٔ دولت او در مکه فریاد می‌زنند: «هر کس نماز فریضه خود را در کنار حجرالأسود و محل طواف خوانده است و می‌خواهد نافله بخواند، به کناری رود و آن کس که می‌خواهد نماز واجب خود را بخواند، بیاید و بخواند تا حق کسی ضایع نشود

۷ـ از جمله داوری‌های آن حضرت، حکم به حدّ مردگانی است که در زمان زندگانی حدی بر گردنشان بوده ولی اجر نشده است. حدیث شمارهٔ ۶ دلیل این مدعا است.

۸ـ حضرت در دوران حکومت خود برای تمام ایالت‌ها حاکم و قاضی نصب می‌کند و هنگام فرستادن قاضی دست محبت خود را به شانه و سینهٔ او می‌کشد و می‌فرماید: هرگاه در امر قضا درمانده شدی و حکم آن برای تو روشن نبود، به کف دست خود نگاه کن؛ زیرا همهٔ آن چه که در بارهٔ قضا نیاز داری، در آن وجود دارد؛ به همین دلیل قاضی‌های منصوب حضرت در هیچ واقعه‌ای درمانده نمی‌شوند و بیشتر مسایل را می‌دانند.

آنان بر اساس علم خود داوری می‌کنند، البته از گواهی گواهان سوگند منکران هم که شیوه؛ دادرسی در اسلام است، بهره می‌گیرند، ولی هرجا از این طریق به نتیجه نرسیدند، به کف دست خود نگاه می‌کنند و مطلب روشن می‌شود. (حدیث شمارهٔ ۱۵ و ۱۶)

۹ـ بر اساس حدیث شمارهٔ ۱۷، حضرت دربارهٔ هر قومی طبق آیین و کتاب آن قوم حکم می‌کند؛ بر یهود طبق تورات، بر نصارا بر اساس انجیل، بر اهل زبور طبق زبور، و بر مسلمانان بر اساس قرآن حکم می‌کند.

۱۰ـ چون شیوهٔ قضا و داوری آن امام همام بر خلاف شیوهٔ دیگر حکّام و قضاوت جهان است، در حدیث شمارهٔ ۱۳، آمده است که حضرت با کتاب جدید و قضاء جدید می‌آید.

۱۱ـ طبق حدیث‌های شمارهٔ ۴ و ۱۲ حضرت مانع الزکات را به قتل می‌رساند؛ از آن جا که زکات از ضروریات دین است اگر کسی منکر آن شود و یا مانع پرداخت آن شود، چنین کسی مرتد می‌شود و حکم مرتد فطری قتل است. هرچند قبل از ظهور، چنین حدّی اجرا نمی‌شد، ولی آن حضرت در عصر خود حد مرتد فطری را جاری می‌کند و او را به قتل می‌رساند.

۱۲ـ طبق حدیث شمارهٔ ۵، حضرت مهدی(عج) نوادگان قاتلان حضرت سیدالشهداء را به قتل می‌رساند؛ وقتی از امام رضا(ع) سؤال می‌شود، چگونه به خاطر جرم آباء و اجداد، فرزندان را

می‌کشند، حضرت در پاسخ می‌فرماید: «آنان به اعمال پدرانشان راضی هستند و هر کسی به فعل قومی راضی باشد، از آن‌ها و محکوم به حکم آن‌ها است.[۲۴] البته این حکم نیز مخصوص آن حضرت است وگرنه امروزه نمی‌شود به حرف رضایت به عمل خلاف دیگری، آن شخص را حد زد.

خداوند ظهور آن حجةالله و ولی الله اعظم را در دوران زندگی ما مقرر فرما!
و ما را جزو سربازان فداکار و شهدای در رکاب او قرار ده؛
و اعمال ما را مورد رضا و پسند آن امام همام قرار ده،
و در فرج او که فرج همهٔ بندگانت می‌باشد، تعجیل فرما!

پی نوشت ها :

۱. مکارم، ناصر، مهدی انقلابی بزرگ، قم انتشارات مطبوعاتی هدف، ۱۳۵۶.
۲. مجلسی، محمدباقر. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
۳. همان، ص ۳۹۰، حدیث ۲۱۲.
۴. همان، ص ۳۲۸، حدیث ۴۶.
۵. همان، ص ۳۰۹، حدیث ۲.
۶. همان، ص ۳۱۳، به نقل از علل الشرایع و عیون اخبار الرضا.
۷. علل‌الشرایع، ج ۲، ص ۲۶۷، بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۴.
۸. بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۰.
۹. بصائرالدرجات، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰.
۱۰. بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۵ به نقل از کمال الدین صدوق.
۱۱. همان، ص ۳۲۱.
۱۲. روضهٔ کافی، ص ۲۴۱، منتخب الاثر، ص ۴۸۳، بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۱۳. ارشاد مفید، ص ۳۴۵، بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.
۱۴. کافی، ج ۳، ص ۵۰۳، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵، محاسن برقی، ص ۸۷، معجم‌احادیث الامام المهدی(عج)، ج ۴، ص ۶۹، بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۱.
۱۵. بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۴، حدیث ۱۱۴.
۱۶. بحار، ج ۵۲، ص ۳۸۹ حدیث ۲۰۷، اثبات الهدی، ج ۳، ص ۵۸۵، معجم‌احادیث الامام المهدی(عج)، ج ۳، ص ۳۰۹، حدیث ۸۴۸.
۱۷. معجم‌احادیث الامام المهدی(ع)، ج ۵، حدیث ۱۴۵۳، ص ۲۹.
۱۸. بحارالانوار، ج ۵۲، حدیث ۹۱، ص ۳۴۵.
۱۹. معجم‌احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۲۲، حدیث ۸۶۶، بحار، ج ۵۱، ص ۲۹، حدیث ۲۰، غیبت نعمانی، ص ۱۵۷.
۲۰. بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۲، حدیث ۱۳۱.
۲۱. بعثت، غدیر، عاشورا و مهدی، مقدمه خورشید مغرب، ص ۳۶.
۲۲. کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ خورشید مغرب، ص ۳۳.
۲۳. البته وحی، از نوع وحی نبوت نیست، بلکه از نوع وحی به مادر موسی است.
۲۴. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳ به نقل از عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳ و علل‌الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۹.